

بررسی آسیب‌های اجتماعی پوشش نامناسب افراد در اماکن عمومی (مطالعه موردی شهرستان ورامین)

حسین سعیدی^۱، سمانه وکیل زاده^۲، فاطمه عطایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۵
تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۱۷

از صفحه ۲۳ تا ۴۶

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انظامی شرق استان تهران
سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳

چکیده

یکی از هنجارهای کهن و سنت‌های ملی و دینی دیرپای جامعه ایران اسلامی، سنت حجاب و پوشش کامل زنان هنگام حضور در اجتماع است. هم‌چنین مسئله بی‌حجابی و بدحجابی یکی از آسیب‌های اجتماعی کم و بیش رایج در جامعه ما است. پدیده‌ای که ظهور هر چند ضعیف آن نیز با توجه به پیشینه فرهنگی، الگوی آموزشی و تربیتی غالب، حساسیت‌های وجدان جمعی، مراقبت و واپایش اندیشه‌های عمومی، سیاست‌های فرهنگی نظام و... بسیار غیر منتظره می‌نماید. بی‌شک، این پدیده نیز هم‌چون سایر پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی از علل و عوامل آشکار و پنهان متعددی ناشی شده است. نوشتار حاضر، از منظری عام و با رویکردی بیش‌تر جامعه‌شناختی، با استفاده از روش کمی و ابزار پرسش‌نامه، به شناسایی و تحلیل آسیب‌های اجتماعی ناشی از پوشش نامناسب در بین افراد جامعه، به‌ویژه زنان پرداخته است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه زنان ۱۸ سال به بالای شهرستان ورامین می‌باشند که تعداد ۱۰۰ نفر از آنها به صورت تصادفی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه با استفاده از نرم افزار *SPSS* تحلیل شدند. در پایان مجموعه‌ای از سیاست‌ها و راه‌کارهای بایسته که اجرای دقیق آن‌ها در کنار سایر تمهیدات بالقوه می‌تواند از رشد روزافزون این معضل جلوگیری کند و همگان را در خصوص مبارزه ریشه‌ای با آن حساس سازد و پژوهش‌گران را در دست یابی به حقیقت و زوایای بحث باری رساند، بیان شده است.

کلید واژه‌ها

پوشش نامناسب، حجاب، آسیب‌های اجتماعی، اماکن عمومی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد سمنان saeed.hossein3040@yahoo.com
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد سمنان samaneh.vakilzade@yahoo.com
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد سمنان FatemeH_Atayi@yahoo.com



مقدمه

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرهای مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. آسیب‌شناسی اجتماعی هم‌چون سایر حوزه‌های اجتماعی و عللی، از شیوه عملی برای بررسی موضوعات مورد نظر خود استفاده می‌کند. آسیب‌های اجتماعی به عنوان اعمالی که هنجارهای جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند و نظام اجتماعی را تهدید می‌کنند در هر جامعه‌ای اهمیت جدی دارند. شهر ورامین نیز از وجود آسیب‌های اجتماعی مستثنی نیست. شناسایی انواع آسیب‌های اجتماعی در این شهر از مهم‌ترین دغدغه مسئولان و برنامه‌ریزان می‌باشد از این رو، مقاله حاضر، که بر پایه اطلاعات به دست آمده از مرور منابع و مقالات در شهر ورامین نگاشته شده است، درصدد است تا به شناسایی آسیب‌های اجتماعی ناشی از پوشش‌های نامناسب در سطح شهر ورامین بپردازد، و پیامدها و تبعات منتج از بدحجابی را در اماکن عمومی مورد بررسی قرار دهد.

حجاب و پوشش در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. اسلام که کامل‌ترین و آخرین دین الهی است، برای سعادت بشر و جلوگیری جامعه از انحراف که سرچشمه آن بی‌حجابی و نداشتن پوشش مناسب است، احکام و قوانینی وضع نموده است. حجاب در عصر حاضر از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی جهان می‌باشد که توانسته مصالح اجتماعی را متأثر سازد، تا جایی که گرایش زنان به حجاب در برخی از جوامع غربی تهدیدی برای بنیان فکری سیاستمداران و قدرت‌مندان غربی است و منع حجاب، نشانه‌ای آشکار بر ضعف قدرت‌های جهان در برابر فرهنگ اسلامی می‌باشد.

در تبیین ماهیت حجاب، می‌بایست از نظر فلسفه حجاب به موضوع وارد شد. چرا که حجاب صرفاً یک پوشش در میان انواع پوشش‌ها نیست، بلکه این مفهوم دارای فلسفه‌ای عمیق در فرهنگ اسلامی است که یک بعد آن پوشش ظاهری است و بعد دیگر آن حفظ فطرت پاک و مطهر زن از آلودگی‌های روانی و جسمانی، فرهنگی و اجتماعی است.

ضرورت پرداختن به حجاب از آنجا نشأت می‌گیرد که احکام اسلام به‌طورعموم با هدف ارائه یک الگوی کامل از جامعه اسلامی تدوین شده است. بخش مهمی از هر جامعه‌ای را زنان تشکیل می‌دهند و پوشش و حجاب و رفتار آنها در نیم دیگر جامعه نیز



تأثیر مستقیم می‌گذارد؛ بنابراین برای تحقق یک جامعه اصیل اسلامی در مرحله اول باید افراد آن، اعم از زن و مرد، پایبند به اخلاق اسلامی باشند، تا بتوان در جامعه، سایر احکام و قوانین دینی را جاری ساخت. از سوی دیگر در شرایط کنونی فرهنگ بومی و دینی جوامع در معرض تهدیدات گوناگون قرار گرفته و حجاب به عنوان نماد یک جامعه دینی از این تهدیدات مصون نیست، بلکه آماج پیچیده‌ترین طراحی‌های فرهنگی از جانب دشمن است؛ بنابراین لازم است با آسیب‌شناسی علل ترویج بی‌حجابی و بدحجابی، راه‌کارهای مناسب برای رویارویی با آن تدوین و عملیاتی گردد. بی‌حجابی پدیده‌ای اجتماعی است که عوامل ایجاد کننده آن تهاجم فرهنگی، دگرگونی ارزش‌ها و عوامل روانی است. همان‌طور که حجاب آثار و فوایدی برای حفظ کرامت زن دارد، بی‌حجابی پیامدهای منفی زیادی، هم برای فرد و هم برای جامعه دربردارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تهدید نظام خانواده، ایجاد اختلال روانی و عصبی، سلب امنیت زنان و گسترش فساد و بی‌بندوباری؛ این پیامدها در نوشتار حاضر به اجمال بررسی خواهد شد. از آنجا که بی‌حجابی سبب سست شدن بنیان خانواده می‌شود و در حال حاضر زنان زیادی در جامعه به این امر مهم بی‌توجه‌اند، اهمیت پرداختن به این موضوع روشن و مبرهن است. پژوهش حاضر در نظر دارد با توجه به بیان کارکردها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی حجاب به اهمیت به بررسی پیامدها و اثرات ناشی از بدحجابی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی بپردازد.

مبانی نظری

سلامت آسیب‌های اجتماعی: آسیب اجتماعی به نوعی عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد جمعی به صورت رسمی یا غیر رسمی رعایت نشود و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی جامعه روبرو می‌گردد. بنا به این تعریف، چون حجاب اسلامی در چهارچوب اخلاق دینی قرار می‌گیرد. رعایت نکردن آن، نوعی آسیب اجتماعی ساده تلقی می‌گردد. این آسیب خود دارای مراتب و دسته‌بندی‌های خاصی است (رجبی، ۱۳۸۶).

با کمال تأسف، هم‌زمان با گام نهادن بشر به سکوی فناوری، آسیب‌های اجتماعی نیز شکل تازه به خود گرفت. زن که مظهر عفاف، حیا و عشق‌ورزی به قداست و پاکی تمام



بشریت محسوب می‌شد و صفات فرشتگان در روی زمین و کانون گرم خانواده را تداعی می‌کرد، به عنوان ابزاری بی‌مقدار در سراسییبی سقوط قرار گرفت و کرامت ذاتی‌اش زیر غباری از غفلت و فراموشی مدفون شد.

از آن پس، اساس ازدواج‌ها در هم ریخت و نظام‌های دقیقی که در طول قرن‌ها زندگی آدمیان برای اداره و بقای خانواده و نیز روابط انسانی میان زن و مرد، وضع شده بود یکباره فرو ریخت و از ارزش و اعتبار زن، در نظر مردانی که برای وصول به کعبه وجود زن، حریمی ملکوتی ساخته بودند، کاسته شد تا آنجا که آنچه از بدی، گناه، عصیان، خیانت، کم ارادتی و تجاوز به زن و مقام شامخ او بود، در حق او روا داشتند (شفیعی، ۱۳۸۶).

اختلالات عصبی روانی، طلاق، شیوع انحراف جنسی، سلب امنیت زنان، بیشترین آسیب‌های اجتماعی زنان است این دسته از آسیب‌ها اغلب با سایر آسیب‌ها در ارتباط نزدیک هستند و گاهی حتی موجب بروز مشکلات جدی می‌شوند. مثل بیماری ایدز که با انحرافات جنسی ارتباط نزدیک دارد. مبارزه با این دسته از آسیب‌ها در برخی موارد نیازمند تغییرات اساسی اجتماعی است و لازم است تحولاتی کلی و برنامه‌ریزی‌های دقیقی برای رفع آنها صورت گیرد و این تغییرات با ارائه آموزش‌های وسیع اجتماعی برای افراد و خانواده‌ها و رفع عوامل بنیادی امکان‌پذیر خواهد بود. یکی از برنامه‌ها مسئله حجاب و عفاف بوده است و خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش، عالم خبیر است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی انسان‌ها به خصوص زن را در عفاف و حجاب دانسته است؛ زیرا عفاف و حجاب تأثیر فراوانی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد. آیات نورانی قرآن کریم ضرورت این حکم الهی را به نحو مطلوب تبیین کرده است (رجبی، ۱۳۸۶).

کارکردهای حجاب: قبل از ورود به عوامل مؤثر در روی‌گردانی از حجاب، می‌توان بحث را با تشریح کارکردهای دوگانه فردی و اجتماعی حجاب پیش برد. چرا که شناختن این کارکردها، خود در نبود استقبال نسبت به موضوع حجاب مؤثرند و با تبیین آنها، عوامل ایجاد اخلال و موانع موجود استخراج و تشریح می‌گردند، به‌ویژه با توجه به این‌که، یکی از اصلی‌ترین موانع شناختی در این موضوع، وجود خلل در دریافت پیام‌های کارکردی حجاب است.



سلامت جامعه: ارزش آثار و نتایج عفاف و حجاب را زمانی به خوبی می‌توان دریافت که با نبود آن در جامعه روبرو باشیم. برای آگاهی از عوارض بی‌عفتی و بی‌حجابی باید به جوامعی مراجعه کرد که در این زمینه پیش‌گام بوده‌اند. در چنین صورتی خواهیم دید که به اسم تمدن و آزادی چه بسیاری عوارض فرهنگی، بهداشتی، روانی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی گریبان‌گیر آن جامعه شده است. کم‌اهمیت دادن به عفاف، حجاب و اجرای آن در جامعه خود زمینه‌ساز انحطاط است و آثار زیانبار فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (عامری، ۱۳۸۶). در کل برای باز شدن مطلب اگر خواهیم سلامت جامعه را به طور صحیح و جامع بررسی کنیم، باید به دو جنبه سلامتی یعنی سلامت جسم و روان بپردازیم؛

الف) سلامت و بهداشت جسم در جامعه:

عفت‌ورزی، زمینه فساد و انحراف، که سبب ایجاد، رشد و ترویج بسیاری از آلودگی‌های جسمی است را از بین می‌برد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمی افراد جامعه ایفا می‌کند. انحرافات جنسی سبب ایجاد و افزایش بسیاری از بیماری‌های پوستی و مقاربتی از قبیل: سیفلیس، سوزاک، ایدز و... می‌شود. بیماری ایدز که مهلک‌ترین بیماری عصر حاضر است ابتدا در سال ۱۹۸۱ در افراد همجنس باز شناخته شد. ۱۳ سال بعد به عنوان یک اپیدمی جهانی که هر لحظه رو به گسترش است، اعلام شد. سازمان جهانی بهداشت در دسامبر ۲۰۰۰ گزارش داد که تا پایان سال ۲۰۰۰ در جهان، ۱/۳۶ میلیون مرد و زن و کودک حامل ویروس ایدز یا مبتال به آن بوده‌اند و تاکنون ۸/۲۱ میلیون نفر نیز بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده‌اند (روزنامه آفتاب، ۱۳۸۰). از راه‌های اصلی انتقال این بیماری، فساد و روابط جنسی ناسالم است و بهترین راه مهار این بیماری رعایت عفت جنسی و مراعات دستورات و احکام اسلامی است (نظیری، ۱۳۸۷).

ب) سلامت و بهداشت روانی در جامعه:

رعایت حجاب، به علت نقش زیاد آن در استحکام خانواده به عنوان پایه و اساس اجتماع، همچنین تأثیر آن در ساخته شدن فرزندان (با تربیت صحیح) و پاک نگه داشتن محیط اجتماع از عوامل تحریک‌آمیز حیوانی، در سلامت و پاکی روان اجتماع مؤثر است.



معلوم است وقتی کانون خانواده گرم و پرجاذبه باشد، این گرمی در استحکام و بالا بردن روحیه عمومی مردم و جامعه تأثیر بسزایی خواهد داشت. وقتی کودکان چنین خانواده‌های با تربیت صحیح و تعادل روحیه و افکار مفید، پرورش یافتند، در جامعه منشأ سازندگی، ترقی و تعالی می‌شوند. از طرفی با رعایت حجاب، ریشه بسیاری از تفاخرها، تکاثرها، اسرافها، تحریک‌های بی‌موقع در اجتماع کنده خواهد شد و بذر فساد خشکیده می‌گردد و در عین حال زنان و مردان در صحنه اجتماع بدون تشنجات فکری در کنار هم به تعامل می‌پردازند (بنی حسن، ۱۳۸۶).

سلامت روانی

در جهانی که دنیای تنوع و رنگ و لعاب است، به‌طور طبیعی هیچ زنی نمی‌تواند همواره جدیدترین و زیباترین مدل‌ها و رنگ‌ها را در پوشش خود داشته باشد. از جهت اقتصادی هم هیچ زنی توان تهیه همه مدل‌ها و لباس‌های موجود را ندارد، زنانی که خود را مقید به آراستن به مدل‌های روز می‌کنند، همواره نوعی تشویش و اضطراب در تأمین هزینه‌های چنین پوشش و آرایشی دارند. هم‌چنان که به لحاظ منطقی هم امکان اینکه یک فرد همیشه زیباترین و منحصر به فردترین پوشش و آرایش را داشته باشد، ممکن نیست. این امر همواره نوعی احساس محرومیت را در این قبیل افراد ایجاد می‌کند. این اتفاق دارای منطقی علمی قوی است. در این حالت پوشش و آرایش به دستاورد اقتصادی بدل می‌شود و نشانگر پایگاه اقتصادی فرد است. حس نارضایتی و محرومیت ناشی از ناتوانی در تأمین مدل‌ها و طرح‌های مورد نظر، چنین فردی را در معرض تنش‌های روانی فراوانی قرار می‌دهد. چرا که هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در یک جامعه بیشتر گردد، محرومیت نسبی هم بیشتر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۰)، این در حالی است که زنانی که خود را مقید به رعیت حجاب اسلامی می‌کنند با کمترین دغدغه، پوشش و لباس مورد نظر را انتخاب می‌کنند و حس زیبایی شناختی خود را هم ارضا می‌کنند. این دسته از زنان فقط در حد اشباع نیازهای ضروری به خرید لباس‌های روز و پر رنگ و لعاب روی می‌آورند نه برای رقابت با دیگران. چرا که قرار نیست مدل‌های لباس خود را روزانه در خیابان و کوچه و بازار به نمایش بگذارند. پوشش یکدست و متین آنها در فضای جامعه هیچ زمینه‌ای برای مقایسه با دیگران فراهم نمی‌سازد؛ بنابراین تنش فکری

ناشی از مقایسه شدن و شکست خوردن و مسابقه خوش پوشی گذاشتن را ندارند و این به حفظ آرامش روانی آنها کمک می‌کند.

پاکی نسل انسانی

حفظ عفاف سبب می‌شود رحم‌ها پاک و نسل‌ها شناخته شده باشند. کودک باید احساس کند دارای سرپرست، پشتیبان، عزت و شخصیت است، نه وجودی وانهاد و بی‌صاحب که از عشقی آلوده و لحظه‌ای به وجود آمده است. در فرهنگ غنی اسلام مسئله پاکی رحم و نقش آن در سلامت فرد، خانواده و جامعه بسیار مهم قلمداد شده، به گونه‌ای که «اصالت پاک و ارحام مطهر» عاملی اساسی برای هدایت انسان و اجتماع معرفی شده و ارزشمندترین انسان‌ها کسانی بوده‌اند که در دامن‌های عقیق رشد کرده‌اند (محمدی نیا، ۱۳۸۰).

امنیت و آرامش اجتماعی

از سوی دیگر این ضابطه‌مندی مزیت‌هایی هم برای زن دارد و هم برای جنس مقابل او. فایده حجاب برای حفظ حضور اجتماعی او، امنیت آوری و حفظ آرامش است. مصونیت ارتباطات اجتماعی میان زن و مرد از فواید حفظ حریم در پوشش و آرایش است. قرآن کریم به صراحت کم شدن زمینه رنج زنان را از آثار حجاب دانسته است.

از منظر دیگر، نقش آفرینی اجتماعی نیازمند بستر مناسب برای ایفای دقیق این نقش است. رعایت حجاب از زمینه‌هایی است که می‌تواند به افزایش آرامش روانی زن و مرد، کم شدن گناه و بالا رفتن توانمندی اجتماعی آنان منجر شود (سروستانی، ۱۳۸۶).

به بیان "وندی شلیت"، وقتی دختران از پوشش عقیفانه‌ای استفاده می‌کنند بیانسان هم قاطع‌تر و صریح‌تر می‌شود (وندی، ۱۳۸۶)؛ چرا که زنی که پوشیده و با عفاف در اجتماع ظاهر می‌شود و با تکیه بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های شخصیتی، تربیتی و علمی خود فعالیت می‌کند خود را از موضع برابر با دیگران می‌بیند. در حالی که اگر با معیارها و جاذبه‌های جسمی خویش و با آرایش و پوشش جلب‌کننده وارد اجتماع شود، باید مدام نگران چگونگی حفظ جذابیت‌های ظاهری خود باشد؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین کارکردهای حجاب، ایجاد قدرت رقابت اجتماعی در زن و تقویت قاطعیت او است.



حفظ متانت و قاطعیت و وقار

پوشیده بودن افراد در محدوده‌ای که شرع اسلام معین ساخته است، موجب کرامت و احترام بیشتر او است؛ چرا که افراد به خصوص زنان را از تعرض رفتار و نگاه افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می‌دارد. شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگام بیرون رفتن از خانه، متین، سنگین و با وقار باشد. در طرز رفتار و لباس پوشیدن هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد و عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند (مطهری، ۱۳۸۰). به زبان دقیق‌تر، رعایت متانت و وقار در پوشش، جایگاه ویژه‌ای به زن می‌دهد و او را از وسیله لذت و تمتع دیگران به انسانی هم‌تراز و حتی برتر و بالاتر از دیگران تبدیل می‌کند.

استحکام خانواده

دستاورد دیگر حجاب در زندگی فردی که خود از عزت اجتماعی و آرامش روانی نشأت می‌گیرد، استحکام خانواده است. زنان محجبه و عفیف در شرایط متعادل و نبود مشکلات ریشه‌ای در خانواده، کمترین تنش را در زندگی خانوادگی دارند. چرا که در چنین خانواده‌ای زن همت و تلاش خود را مصروف ایجاد محیط امن و با نشاط در درون خانواده می‌کند. بر خلاف زنان بی‌عفتی که شادابی و نشاط خود را در محیط اجتماع عرضه می‌کنند. نوع ارتباط زنان محجبه و عفیف با همسران خود و رفتار تربیتی با فرزندان، متأثر از سلامت روانی وی است. فردی که دغدغه جلوه‌گری در اجتماع ندارد، طبیعتاً خواست‌ها و آرزوهایش در چهارچوب خانواده و به‌اندازه و متناسب با سطح معیشتی و فرهنگی خانواده است و به راحتی انس و الفت درون خانواده را حفظ و تقویت می‌کند. رهبر انقلاب در همین زمینه می‌فرماید: «این که شما می‌بینید در اسلام محرم و نامحرم، جدایی زن و مرد و این‌ها مطرح است، این‌ها مسائل ارتجاعی نیست. این‌ها جزو دقیق‌ترین مسائل انسانی و بشری است. یکی از مهم‌ترین آن این است که بنیاد خانواده محکم می‌ماند. چون زن و شوهر به هم احساس وفاداری می‌کنند. در موضع حسادت قرار نمی‌گیرند. این خیلی مسئله مهمی است»؛ بنابراین با حفظ حریم حجاب و عفاف، نظام خانواده از گسستگی حفظ می‌شود و اعضای آن از خطرات و آسیب‌های روانی و بی‌بندوباری مصون می‌مانند. در حالی که آزادی زن در

جلوه‌گری و نمایش زیبایی‌های زنانه‌اش آثار مخربی بر سلامت روانی خانواده و به‌ویژه خود زن برجای می‌گذارد.

عوامل بی‌حجابی

عوامل بی‌حجابی و بدحجابی بسیار گسترده است که برای یافتن و بررسی آنها باید زمینه‌ها و ریشه‌های بی‌حجابی را جستجو کرد. با توجه به بررسی بسیاری از پژوهش‌ها و منابع پیشین می‌توان به عوامل زیر در بروز این پدیده اشاره کرد:

تهاجم فرهنگی

استعمار جدید برای همه کشورهای اسلامی طرح‌های فرهنگی مختلفی تدارک دیده است. که مهم‌ترین هدف آنها زنان مسلمان است. در رأس این برنامه‌های فرهنگی برداشتن حجاب و پوشش زنان مسلمان است. فساد از برهنگی سرآغاز می‌شود و کم‌کم به اعضای دیگر سرایت می‌کند. در کشورهای اسلامی آنچه در مقابل طرح و برنامه فرهنگی غرب مقاومت می‌کند، فرهنگ دینی است که بزرگ‌ترین مانع بر سر راه فساد نیز می‌باشد. نقشه استعمارگران برای مبارزه با حجاب روشن و واضح است.

فرانستن قانون در کتاب الجزایر می‌گوید: هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که آن هنگام برای استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده به تمامی، به او نشان می‌دهد. پس از دیدن هر چهره بی‌حجاب امیدهای حمله و ر شدن اشغالگر ده برابر می‌گردد.

بی‌حجابی تلقین و وسوسه شیطان است که قدرت‌مندان برای تسلط هرچه بیشتر خود به قشر وسیعی از جامعه یعنی زنان و مردان، به کار می‌گیرند

یا بنی آدم لایفتنکم الشیطان کما اخرج أبو کیم و من الجنة ینزع عنها لباسها ل یهیرما سوءتھما إنه یرئکم هوو قبیلہ من حیث لاترونھم إنا جعلنا الشیطان أولیاء للذین لایؤمنون.

ای فرزند آدم، شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون و لباس‌شان را از تن‌شان بیرون ساخت تا عورت‌شان را به آنها نشان دهد.



مسئله است که برهنگی و بی‌حجابی، نمودی روشن از ابزار زورمداران و فرصت‌طلبان برای استعمار کشورها است، هم‌چنین ابزاری است برای فریب زنان، استعمار نیروی آنها و کشاندن آنها به کارخانه‌ها و کارگاه‌ها برای کارهای توان فرسا.

رسانه‌های جمعی از ابزارهای مهمی است که دشمنان برای اجرای تمام طرح‌ها و برنامه‌های خود که شامل برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی برضد ستم‌دیدگان می‌شود، به طور مستمر از آن استفاده می‌کنند. هرچه تسلط قدرت‌ها و دولت‌ها بر رسانه‌های جمعی بیشتر باشد، می‌تواند نظرات و عقایدش را بر دیگران تحمیل کند. وقتی چنین ابزاری در دست قدرت‌مندان فاسد و استعمارگران قرار گیرد، پیام‌های منفی بسیاری برای کشورها به بار خواهد آورد. هدف اصلی تهاجم فرهنگی، جوانان است که سرمایه‌های مادی و معنوی یک کشوراند (زکیه، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

چرخش‌های هنجاری جامعه

برخی از جامعه‌شناسان، کاهش انگیزه التزام عملی به رعایت حجاب شرعی و افزایش آمار بدحجابان و بی‌حجابان را ناشی از روی دادن برخی تحولات اساسی در نظام هنجاری جامعه می‌دانند. ۲/۸۶ درصد از پاسخ‌گویان معتقد بودند که در سال ۶۵، عدم رعایت حجاب از نظر مردم عیب داشت. یعنی خانم‌ها به علت این که احساس می‌کردند مردم از بی‌حجابی خوششان نمی‌آید و احتمال دارد به آنها به گونه‌ای توهین (مجازات) شود، بیشتر حجاب را رعایت می‌نمودند.

این بدان معناست که آن زمان، یک واپایش درونی در مورد ارزش‌های انقلابی مذهبی وجود داشت و قبح آن نریخته بود و مسئولان مجبور نبودند با فشار، اجبار و توییح، اکثریت خانم‌ها را به رعایت حجاب وادارند. برای سال ۷۱، این ارزیابی به ۵/۴۱ درصد می‌رسد.

همچنین ۸/۸۱ درصد از پاس‌خگویان معتقد بودند که مردم جامعه در سال ۶۵ به خانم‌های چادری احترام می‌گذاشتند، در حالی که این رقم برای سال ۷۱ به ۸/۳۶ درصد می‌رسد. در چنین وضعیتی، در شرایط بی‌مهری، سرکوب اجتماعی و واکنش‌های پرخاشگرانه به دارندگان نمادهای مذهبی، در واقع، نیاز به احترام و عزت نفس افراد خدشه‌دار می‌شود و آنها در پی کسب احترام، خود را با فشار هنجاری تطبیق داده،



حجاب و ریش و دیگر سمبل‌های مذهبی، نظیر رفتن به مسجد را کنار می‌گذارند. کاهش سلطه والدین بر فرزندان، نپذیرفتن فرهنگ سنتی خانواده، تمایل به تک روی و الگوگزینی خودمختارانه، نفرت از برخی فشارهای نسنجیده خانواده‌های مذهبی نیز یکی دیگر از عوامل فرهنگی بدحجابی است (شریف الدین، ۱۳۹۰، ۲۸۲).

ضعف بینش دینی و نقش آن در عدم دریافت پیام حجاب

مسئله مؤثر دیگر در تضعیف فرهنگ حجاب، ضعف اعتقادی و ایمانی نسل جدید و درک نادرست آنان از احکام دینی است. هم‌چنین نفهمیدن حدود شرعی حجاب و عرفی شدن این حد در برخی موارد به‌خصوص در بعضی از مناطق کشور از عوامل گسترش بدحجابی است.

شاید این بخش از بی‌حجابی را بتوان ذیل عنوان بی‌حجابی جاهلانه بازشناخت. بسیاری از مواقع، فردی که حجابش با حدود شرعی فاصله بسیار دارد، خود را محجبه می‌داند و منتقد وضع بی‌حجابی هم می‌باشد. در چنین مواردی باید ریشه‌های این جهل را پیدا کرد. یک بخش از علت این بینش ضعیف به خانواده‌ها و کوتاهی که آنها در مقابل تربیت دینی فرزندان‌شان دارند، بر می‌گردد.

در مرحله اول این خانواده است که باید لوازم و اصول پاکدامنی و دینداری و عفت را در درون خانواده به فرزندان انتقال دهد و یکی از مهم‌ترین گام‌های جامعه‌پذیری حجاب باید از خانواده برداشته شود. اما با غفلت خانواده‌ها از تربیت دینی فرزندان و قرار گرفتن برنامه‌های ماهواره‌ای به عنوان محور تعامل خانواده و تولید سبک زندگی معیار برای آنها و کاسته شدن از آموزش‌های دینی فرزندان توسط والدین، در درون خانواده نه تنها الگوی صحیح ارائه نمی‌شود، بلکه فرزندان بیشتر از هر جای دیگر در درون خانواده و در کنار پدر و مادر و از طریق برنامه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای در معرض مخرب‌ترین امواج فرهنگی قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر ارتباطات خانوادگی و فAMILI که در زمانی نه چندان دور عامل جامعه‌پذیری فرزندان محسوب می‌شد به یکی از زمینه‌های چشم و هم چشمی در روی آوردن به برنامه‌های ماهواره‌ای و... شده است. دختران جوان معمولاً برای عقب‌نماندن از



سبک و شیوه پوشش دختران فامیل، خانواده‌های خود را تحت فشار قرار می‌دهند تا لوازم نوین شدن پوشش او را فراهم سازند.

بنابراین، خانواده کارکرد دینی و تربیتی فرزندان را به کل از دست داده و در مقابل، موج رو به رشد ترویج عرف‌گرایی در جامعه تسلیم شده است. چنان‌که بسیاری از خانواده‌ها، در اساس پوشش و آرایش نامتعارف دختران خود را جزو مصادیق بی‌حجابی تلقی نمی‌کنند و برداشت شخصی خود را بر مفهوم شرعی حجاب ترجیح می‌دهند.

در کنار خانواده نهادهای حاکمیتی نیز در ضعف اعتقادی دختران جوان و عرفی شده حجاب مؤثر هستند. همان‌طور که ذکر شد، آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها در جهت افزایش معلومات دینی جوانان کمترین اقدامی انجام نمی‌دهند، در حالی که تا زمانی که در محیط‌های آموزشی و تحصیلی در تقویت اعتقادات افراد و اصلاح نگرش‌های دینی آنها اقدامی صورت نگیرد، روش‌های سلبی فایده‌ای نخواهد داشت.

هم‌چنین، دیگر رسانه‌های عمومی مانند صدا و سیما نیز در جهت تعمیق باورهای اعتقادی جوانان کاستی‌های فراوانی دارد. نکته مهم این است که نهاد فرهنگی تأثیرگذار مسجد نیز در مقابل موج ترویج اباحه‌گری و بی‌اعتقادی جوانان منفعل شده است و پایگاه مسجد به عنوان یکی از مراکز اصلی ترویج و تشویق مبانی اعتقادی به حاشیه رفته است.

کم هزینه بودن انحراف

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که افراد در جامعه به تدریج و به صورت مشروط در نهادهای اجتماعی مرسوم شرکت می‌کنند و به قواعد مربوط متعهد می‌شوند. مطلوبیت این هم‌سوایی از این رو است که افراد از رهگذر آن، به منافع، نتایج، اعتبارات و امتیازات خاصی دست می‌یابند که دسترسی به آن به هیچ صورت دیگری، امکان ندارد. در صورتی که افراد، در منطق محاسباتی خویش، به نتایج و امتیازات این تعهدمندی توجه نکنند یا تحت تأثیر القاهای اجتماعی، هم‌سوایی و پیروی از ارزش‌ها و هنجارهای جمعی را تحمیلی و توجیه ناپذیر بپندارند، رفته رفته تمایل به هم‌سوایی کاهش می‌یابد و تمایل به سربلندی و طرح الگوهای جایگزین قوت می‌گیرد. بر هم خوردن این توازن از یک سو و میل به تنوع طلبی و لذت‌جویی از سوی دیگر، به‌ویژه در شرایطی که هزینه

انحراف و تخلف ناچیز باشد، کشیده شدن به انحراف را آسان می‌سازد (حسین شریف الدین، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

حجاب از منظر قوانین حقوق

از منظر حقوقی نیز ناهم‌سویی یا مخالفت با هنجارهای قانونی معتبر جامعه، جرم، و سزاوار مجازات‌های متناسب خواهد بود. از این رو، نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی، آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود.

قانون مجازات اسلامی، در تبصره ماده ۶۳۸ در بیان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، بی‌حجابی را جرم سزاوار مجازات شمرده است و می‌نویسد:

زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی، ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

در قانون رسیدگی به تخلفات استفاده‌کنندگان البسه خلاف شرع مصوب (۱۳۶۵/۱۲/۲۸) مجلس شورای اسلامی و نیز ماده ۴ قانون البسه مبتذل در بیانی مشابه آمده است:

کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع یا سبب ترویج فساد و هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح، محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌ها محکوم می‌گردند. مجازات این اشخاص، حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال یا ۷۴ ضربه شلاق با یک یا دو مجازات مذکور می‌باشد.

قانون تعزیرات اسلامی نیز بی‌حجابی را در کنار برخی رفتارهای هم‌سنخ از جمله انحراف‌ها، سزاوار برخورد قضایی دانسته است که آن رفتارها عبارتند از: رعایت نکردن حجاب در معابر عمومی (ماده ۶۳۸)، انجام فعل حرام (ماده ۶۳۸) تشویق یا انجام فساد و فحشا (ماده ۶۳۹)، استفاده از وسایلی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند (ماده ۶۴۰) و هرگونه عملی که عفت عمومی را جریحه دار می‌سازد. (ماده ۶۴۰)



از این رو، بی‌حجابی به اعتبار نقض هنجارهای اجتماعی، کج روی و انحراف و به اعتبار ناهم سوئی و تخلف از قوانین نظام، جرم شمرده می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱) به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری در میزان شیوع آسیب‌های فردی در بین زنان بدحجاب و دارای حجاب کامل وجود دارد؛
- ۲) به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری در میزان شیوع آسیب‌های خانوادگی در بین زنان بدحجاب و دارای حجاب کامل وجود دارد؛
- ۳) به نظر می‌رسد تفاوت معنی‌داری در میزان شیوع آسیب‌های اجتماعی در بین زنان بدحجاب و دارای حجاب کامل وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های کاربردی می‌باشد که با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه به بررسی پیامدهای بدحجابی در سطح جامعه پرداخته است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۱۰۰ نفر از زنان و دختران ۱۸ سال به بالا در شهرستان ورامین می‌باشند که در سطح شهر تردد داشتند و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. به منظور بررسی موضوع تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه در بین زنانی که از لحاظ شرعی دارای حجاب کامل نبودند توزیع شد و پس از جمع‌آوری، پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم افزار *SPSS20* مورد تحلیل قرار گرفتند. آزمون مورد استفاده در پژوهش حاضر، آزمون هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون بوده که تحلیل روابط بین بدحجابی و آسیب‌های اجتماعی پرداخته است.

متغیرهای تحقیق

آسیب‌های اجتماعی: در تعریف آسیب‌های اجتماعی نظریه‌های مختلفی وجود دارد و هر نظریه از دیدگاه خاصی به تعریف آن پرداخته و فاکتورهای خاصی را مدنظر قرار داده است. آسیب‌های اجتماعی مشکلاتی هستند که بیشتر مردم آنها را غیرمطلوب تلقی می‌کنند که زندگی بسیاری از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بیشتر مردم

خواستار حل آن هستند» (جعفر زاده، ۱۳۹۰: ۴۹). بسیاری از جامعه‌شناسان آسیب اجتماعی را نوعی بیماری در جامعه تلقی می‌کنند که زمینه‌ساز بروز انحرافات در جامعه می‌باشد. در پژوهش حاضر آسیب‌های اجتماعی در ۳ سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

حجاب: واژه حجاب هفت بار در قرآن به کار برده شده است. جز یک باز که به طور غیرمستقیم به عفاف مربوط است در بقیه موارد به معنی حایل، دیوار به کار رفته است به اعتبار پشت پرده قرار و مانع است.

حجاب هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده و حجاب است. وقتی در مورد پوشش به کار می‌رود به معنی پشت پرده واقع شدن زن است. در اینجا منظور از حجاب، پوشیده بودن زن در برابر نامحرم با توجه به موازین شرعی است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش توصیفی و استنباطی آورده شده است.

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های افراد نمونه

بر اساس یافته‌های جدول (۱) ملاحظه می‌شود که بیشترین تعداد پاسخ‌گویان با ۳۳ درصد در رده سنی کمتر از ۲۰ سال و کمترین تعداد با ۱۳ درصد در رده سنی بیش از ۴۰ سال می‌باشند

جدول (۱): جدول فراوانی پاسخ‌گویان برحسب سن

درصد	فراوانی	سن
٪۳۳	۳۳	کمتر از ۲۰ سال
٪۳۲	۳۲	۲۰ تا ۳۰ ساله
٪۲۲	۲۲	۳۰ تا ۴۰ ساله
٪۱۳	۱۳	بیش از ۴۰ سال
۱۰۰	۱۰۰	جمع کل



توزیع فراوانی‌ها بر اساس تحصیلات

بر اساس یافته‌های جدول (۲) ملاحظه می‌شود که بیشترین تعداد پاسخ‌گویان با ۶۰ درصد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر و کمتر و کمترین تعداد با ۱۰ درصد دارای مدرک فوق لیسانس می‌باشند.

جدول (۲): توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان تحصیلات

درصد	فراوانی	تحصیلات
٪۶۰	۶۰	دیپلم و کمتر
٪۳۰	۳۰	لیسانس
٪۱۰	۱۰	فوق لیسانس
٪۱۰۰	۱۰۰	جمع

توزیع فراوانی‌ها بر اساس اشتغال

بر اساس یافته‌های جدول مشخص می‌شود که اکثر پاسخ‌دهندگان با میزان ۶۰ درصد دانشجو می‌باشند و کمترین تعداد آنها با میزان ۱۰ درصد کارمند هستند.

جدول (۳): توزیع فراوانی بر حسب وضعیت اشتغال

درصد	فراوانی	اشتغال
٪۶۰	۶۰	دانشجو
٪۳۰	۳۰	خانه دار
٪۱۰	۱۰	کارمند
٪۱۰۰	۱۰۰	جمع

یافته‌های استنباطی

در پژوهش حاضر به منظور بررسی فرضیه‌ها از آزمون آماری پیرسون و آنالیز رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در ادامه آورده شده است. آنالیز رگرسیون دو متغیره یک روش آنالیز آماری است که در آن تغییرات یک متغیر وابسته نسبت به یک متغیر مستقل تبیین و پیش‌بینی می‌شود. به عبارت دیگر رگرسیون یک تکنیک قدرتمند آماری است که تأثیرات یک یا چند متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته بررسی می‌شود؛ بنابراین به منظور بررسی تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از آنالیز رگرسیون دو متغیره استفاده شده است.

معادله رگرسیونی که برای به دست آوردن نتایج این پژوهش استفاده شده است به شکل زیر می‌باشد:

$$Y=a+b_1x$$

فرضیه اول: بدحجابی در ایجاد آسیب‌های فردی تأثیر دارد.

نتایج به دست از هم‌بستگی پیرسون در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۴): نتیجه هم‌بستگی پیرسون فرضیه اول

متغیر	مقدار آماره پیرسون	P-Value	جمع
رابطه بین بدحجابی و آسیب‌های فردی	۰/۶۵۵	۰/۰۰۰	۱۰۰

چنانچه ملاحظه می‌شود با توجه به مقدار آماره پیرسون (۰/۶۵۵) و سطح خطای حاصل شده کمتر از ۰/۰۱ می‌توان چنین اذعان نمود که رابطه میان متغیرهای فوق در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار است و بدحجابی و ایجاد آسیب‌های فردی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

آنالیز رگرسیون

جدول (۵): برآورد خلاصه مدل رگرسیونی فرضیه اول

ردیف	ضریب رگرسیون ساده	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل یافته
۱	۰/۶۵۵	۰/۳۸	۰/۳۸

جدول فوق اشاره به رابطه بین بدحجابی و آسیب‌های فردی دارد. در این جدول ضریب هم‌بستگی ساده متغیر مستقل با فساد اداری معادل با ۰/۶۵۵ می‌باشد. ضریب تبیین (تأثیر و پیش بینی) متغیر مستقل تقریباً معادل با ۰/۳۸ است و ضریب تبیین تعدیل یافته که مبتنی بر درجه آزادی متغیر می‌باشد، معادل با ۰/۳۸ است.

جدول (۶): ضرایب وزنی رگرسیونی فرضیه اول

عوامل مدل	B استاندارد	مقدار t	Sig
ضریب ثابت	-	۵/۵۴۵	۰/۰۰۰
رابطه بین بدحجابی و آسیب‌های فردی	۰/۶۵۵	۱۲/۶۵۳	۰/۰۰۰



در جدول فوق مقدار ضرائب وزنی متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته (بتاها) به تفکیک استاندارد شده و غیر استاندارد شده، مقدار آزمون t ، سطح خطای مشاهده شده متغیر با مستقل متغیر وابسته منظور شده است. بر این اساس با توجه به مقدار ضریب مسیر (اثرات وزنی) استاندارد شده، هم‌چنین مقادیر t عامل بدججایی پیش بینی کننده متغیر وابسته (آسیب‌های فردی) می‌باشد.

فرضیه دوم: بدججایی در ایجاد آسیب‌های خانوادگی تأثیر دارد.

نتایج به دست آمده از هم‌بستگی پیرسون در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۷): نتیجه هم‌بستگی پیرسون فرضیه دوم

متغیر	مقدار آماره پیرسون	P-Value	جمع
رابطه بین بدججایی و آسیب‌های خانوادگی	۰/۴۱۸	۰/۰۰۰	۱۰۰

چنان چه ملاحظه می‌شود با توجه به مقدار آماره پیرسون (۰/۴۱۸) و سطح خطای حاصل شده کمتر از ۰/۰۱ می‌توان چنین اذعان نمود که رابطه میان متغیرهای فوق در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار است و بدججایی و ایجاد آسیب‌های خانوادگی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

آنالیز رگرسیون

جدول (۸): برآورد خلاصه مدل رگرسیونی فرضیه دوم

ردیف	ضریب رگرسیون ساده	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل یافته
۱	۰/۴۱۸	۰/۱۷۴	۰/۱۷۰

جدول فوق اشاره به رابطه بین بدججایی و آسیب‌های خانوادگی دارد. در این جدول ضریب هم‌بستگی ساده متغیر مستقل با فساد اداری معادل با ۰/۶۵۵ می‌باشد. ضریب تبیین (تأثیر و پیش بینی) متغیر مستقل تقریباً معادل با ۰/۳۸ است و ضریب تبیین تعدیل یافته که مبتنی بر درجه آزادی متغیر می‌باشد معادل با ۰/۳۸ است.

جدول (۹): ضرایب وزنی رگرسیونی فرضیه دوم

عوامل مدل	B استاندارد	مقدار t	Sig
ضریب ثابت	-	۵/۷۴۷	۰/۰۰۰
رابطه بین بدججایی و آسیب‌های خانوادگی	۰/۴۴۵	۱۲/۴۱۴	۰/۰۰۰



در جدول فوق مقدار ضرائب وزنی متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته (بتاها) به تفکیک استاندارد شده و غیر استاندارد شده، مقدار آزمون t ، سطح خطای مشاهده شده متغیر با مستقل متغیر وابسته منظور شده است. بر این اساس با توجه به مقدار ضریب مسیر (اثرات وزنی) استاندارد شده، هم‌چنین مقادیر t عامل بدجبابی پیش بینی کننده متغیر وابسته (آسیب‌های خانوادگی) می‌باشد.

فرضیه سوم: بدجبابی در ایجاد آسیب‌های اجتماعی تأثیر دارد.

نتایج حاصل از هم‌بستگی پیرسون در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۱۰): نتیجه هم‌بستگی پیرسون فرضیه سوم

متغیر	مقدار آماره پیرسون	P-Value	جمع
رابطه بین بدجباب و آسیب‌های اجتماعی	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰	۱۰۰

چنان‌چه ملاحظه می‌شود با توجه به مقدار آماره پیرسون (۰/۵۱۴) و سطح خطای حاصل شده کمتر از ۰/۰۱ می‌توان چنین اذعان نمود که رابطه میان متغیرهای فوق در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنی دار است و بدجبابی و ایجاد آسیب‌های اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

آنالیز رگرسیون

جدول (۱۱): برآورد خلاصه مدل رگرسیونی فرضیه سوم

ردیف	ضریب رگرسیون ساده	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل یافته
۱	۰/۵۱۴	۰/۲۶۴	۰/۲۶۰

جدول فوق اشاره به رابطه بین بدجبابی و آسیب‌های اجتماعی دارد. در این جدول ضریب هم‌بستگی ساده متغیرمستقل با فساد اداری معادل با ۰/۶۵۵ می‌باشد. ضریب تبیین (تأثیر و پیش بینی) متغیرمستقل تقریباً معادل با ۰/۳۸ است و ضریب تبیین تعدیل یافته که مبتنی بر درجه آزادی متغیر می‌باشد معادل با ۰/۳۸ است.

جدول (۱۲): ضرایب وزنی رگرسیونی فرضیه سوم

عوامل مدل	B استاندارد	مقدار t	Sig
ضریب ثابت	-	۴/۷۴۵	۰/۰۰۰
رابطه بین بدجبابی و آسیب‌های اجتماعی	۰/۵۱۴	۱۱/۶۵۴	۰/۰۰۰



در جدول فوق مقدار ضرائب وزنی متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته (بتاها) به تفکیک استاندارد شده و غیر استاندارد شده، مقدار آزمون t ، سطح خطای مشاهده شده متغیر با مستقل متغیر وابسته منظور شده است. بر این اساس با توجه به مقدار ضریب مسیر (اثرات وزنی) استاندارد شده، هم‌چنین مقادیر t عامل بدحجابی پیش بینی کننده متغیر وابسته (آسیب‌های اجتماعی) می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده‌اند. در حقیقت، هدف کلیه آموزه‌هایی که از سوی خالق حکیم صادر می‌گردد، چیزی جز پاسخ‌گویی به همه نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی انسان نیست. در نتیجه، احکام الهی مربوط به عفاف زن نیز با توجه به همین غایت و هدف صادر شده‌اند. عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می‌شود، انسان اندام ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اطرافیان نتوانند از او هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای کنند. اگر چه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی اعم از مرد و زن است، اما وجود آن در زنان و دختران جلوه‌ای زیباتر و برتر دارد. زن آیت جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلی است. احساس لطیف زن که چون سایه رحمت الهی، خانواده را فرا می‌گیرد و بال‌های مهربانی‌اش فرزندان را در فضای گرم، آرام و مطبوع خود آرامش می‌بخشد، با زیبایی ظاهری عجیب شده است.

از این‌رو، مسئله حجاب از دیرباز مورد توجه و بحث و بررسی دانشمندان و روشن‌فکران چه در شرق و غرب عالم و چه در داخل و چه خارج از کشور، بوده است. دامنه این سخنان و گستره عقاید برخاسته از آن، در مقام تحلیل و بررسی، تا آنجا پیش می‌روند که برخی از افراد «حجاب» را شاخصی «محدود» کننده و عامل «تضییع» در زیست فردی و حضور اجتماعی زنان در جامعه اسلامی می‌دانند و حتی از این رهگذر، خواهان منع یا دست‌کم اختیاری شدن آن می‌شوند و گاه گروهی دیگر، با دفاع نامناسب و ناآگاهانه خود، راه را بر محق جلوه دادن گروه نخستین هموار می‌کنند. اما اگر به تاریخ اسلام نگاه منصفانه داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که فراوان بوده‌اند زنان



مؤمن متدین و پاکدامنی که با رعایت حجاب و پوشش اسلامی در کنار مردان در صحنه‌های سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی، حضور داشته و فعالیت کرده‌اند. در عین حال حضور افراد در اجتماع و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به خصوص برای قشر خانم‌ها، ایجاد امنیت لازم در جامعه خواهد بود و از جمله عوامل بسیار مهم و اساسی که در جهت آرامش و آسایش فرد و خانواده و امنیت در اجتماع، نقش مهمی ایفا می‌کند، داشتن حجب و حیا، رعایت اصول و ارزش‌های دینی و مذهبی از جمله رعایت حجاب و پوشش اسلامی توسط زنان و مردان متدین خواهد بود. اگر به آیات شریفه قرآن کریم و احادیث معصومین در ارتباط با پوشش اسلامی دقت کرده و اشارت ظریف و لطیف آن، مورد ارزیابی قرار گیرد، این اصل و استنباط به دست خواهد آمد که حجاب، محدودیت نیست بلکه مصونیت است. مصونیتی که فرآیند و محصول آن، سلامت، بهداشت و آرامش افراد خانواده‌ها و امنیت در جامعه خواهد بود.

با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان (به‌ویژه بانوان در زمینه حفظ حجاب) جامعه از بسیاری از خطرات حفظ خواهد شد و مهم‌تر از همه این که با حفظ حجاب کیان خانواده که اصلی‌ترین نهاد اجتماع است در معرض خطر قرار نمی‌گیرد. برای رسیدن به این منظور باید فرهنگ حجاب در جامعه گسترش پیدا کند، و در این امر دولت، خود مردم، رسانه‌های گروهی می‌توانند نقش مؤثری بر ترویج حجاب داشته باشند، که در صورت تحقق این موضوع جامعه از خطرات حفظ، و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. حجاب به‌خاطر آن خصلت نمادینی که دارد، می‌تواند جریان ارتباط و فعالیت دو قشر مرد و زن را در جامعه تنظیم کند و به این سبب عناصر مثبت نظام فرهنگی را فعال سازد و زمینه موفقیت رفتار فرهنگی را بر رفتار اقتصادی و مادی فراهم آورد. حجاب می‌تواند به زن این امکان را بدهد که به‌عنوان یک انسان فعال با سایر نظام‌های اجتماعی هم‌چون: فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... رابطه حسنه برقرار کند؛ زیرا حجاب تمامی خصوصیات یک نظام فرهنگی را دارد و فرد را برای ارتباط این نظام با نظام‌های دیگر آماده می‌کند حجاب بر بعد معنوی انسان تکیه دارد و انسان را در برقراری ارتباط منطقی با دیگران موفق می‌دارد. حجاب منبع ذخیره معنوی و یکی از قدرت‌های درونی جامعه محسوب می‌شود حجاب قدرت نفوذ فرهنگی زن و یا بهتر بگوییم یک انسان کامل را به نمایش می‌گذارد. حجاب منشاء اقتدار یک زن مسلمان



است و قدرت فرهنگی زن را اثبات می‌کند حجاب اسلامی قوی‌ترین وسیله برای زن در راه تعدیل و هم‌خوانی نقش‌های متعددی است که خانواده یا اجتماع به او عرضه می‌کند. حجاب اسلامی زن را به عنوان یک متفکر مطرح می‌سازد. و در بر دارنده اثرات مهم اجتماعی (۱) رشد شخصیت زن (۲) رشد فرهنگی (۳) رشد اجتماعی زن، است.

پیشنهاد‌های تحقیق

در جهت بهبود آسیب اجتماعی ناشی از پوشش نامناسب توصیه می‌شود:

۱. توسعه فرهنگ حجاب عفاف در اقشار گوناگون جامعه و تربیت و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز دستگاه‌های دولتی و مراکز آموزشی و تجاری؛
۲. توجه به حفظ حدود و شعائر، اهتمام به ارزش‌ها در ادارات و ارگان‌ها به ویژه در حوزه مدیران؛
۳. نظارت مؤثر بر فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به منظور پرهیز از تبلیغ و ترویج روابط ناصحیح اجتماعی و از طرفی توسعه فرهنگ؛
۴. انجام وظایف ضابطان و نهادهای نظارتی به شکل صحیح در رویارویی با مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی؛
۵. تأکید بر حفظ حدود ظاهری حجاب و استفاده نکردن از مدل‌ها و رنگ‌های نامناسب در اماکن عمومی؛
۶. پرهیز از ترویج لباس‌های نامناسب، استفاده از مدل‌های مبتذل و نمایش مظاهر غرب‌زدگی در فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تلویزیونی؛
۷. حفظ حدود و مرزها در روابط اجتماعی؛
۸. توسعه فرهنگ عفاف در اقشار گوناگون جامعه؛
۹. توجه به حفظ حدود و شعائر، اهتمام به ارزش‌ها؛
۱۰. نظارت مؤثر بر فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی به منظور پرهیز از تبلیغ و ترویج روابط ناصحیح اجتماعی؛



۱۱. طرفی توسعه فرهنگ عفاف؛

۱۲. اعمال شیوه‌های تربیتی مؤثر مبتنی بر شناخت صحیح از افراد و محیط در مکان‌های آموزشی وابسته به آموزش و پرورش و آموزش عالی؛

۱۳. پرهیز از ترویج لباس‌های نامناسب، استفاده از مدل‌های مبتذل و نمایش مظاهر غرب‌زده‌گی؛

در پایان با نگاهی کلی به مجموع مطالب یاد شده چنین می‌توان استنباط کرد که رعایت حجاب و پوشش اسلامی برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان، تکلیف الهی است. رعایت آن، علاوه بر این که سبب عمل به دستورات الهی می‌شود، شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محجوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تأمین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده‌ها و ایجاد نورانیت و امنیت در جامعه نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. به امید روزی که جوامع اسلامی و انسانی از تمام آلودگی‌ها تصفیه شود و زمینه حضور زنان و دختران بدون دغدغه و دلواپسی، در همه اجتماعات جهانی فراهم گردد.



منابع

- شیلته، وندی (۱۳۸۸). دختران به عفاف روی می‌آورند، ترجمه سمانه مدنی، تهران: نشر معارف.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). مساله حجاب، تهران، صدرا.
- باقری فرد، سعیده (۱۳۷۶). حقوق طنان، برابری یا نابرابری، قم: نشر معارف.
- بانکی پورفرد، امیر حسین (۱۳۸۴). حیا، اصفهان، حدیث راه عشق.
- بهرام پور، ابولفضل (۱۳۸۴). سوره نور شعاع عفت، تهران: آوای قرآن.
- حق شناس، جعفر (۱۳۸۷). نظام اسلامی و مسئله حجاب، قم: دفتر مطالعات زنان حوزه علمیه خواهران.
- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۰). زن و بازیابی هویت حقیقی، گزیده بیانات رهبر انقلاب، انتشارات انقلاب اسلامی.
- رجبی، عباس (۱۳۸۸). حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۶). جریان شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، قم، کتاب طه.
- بنی حسن، مریم (۱۳۸۶). پاراگراف شماره ۱۰.
- عامری، حمیده (۱۳۸۶). پاراگراف شماره ۱۴، مراجعه در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۷ mmarjes.org/banoo/
- محمدی نیا، اسدالله (۱۳۸۰). آنچه باید یک زن بداند، چاپ ششم، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، ورامین.
- نظیری، سیما (۱۳۸۷). رشد شخصیت و بهداشت روانی، چاپ چهارم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- <http://www.woman.com/woman۲۷.htm>